

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

قطعنامه هفتمین کنگره نهضت آزادی ایران

بهمن ۱۳۶۳

تحلیل وضع موجود جامعه ایران

مواضع و خطمشی ما

بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا ولا تحمل علينا اصرار كما حملته على الذين من قبلنا، ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة

لنا به واعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا، انت مولينا فانصرنا على الكافرين.^۱

(بقره/۲۸۶)

با نام خدای رحمن رحیم و به حول و قوه رب العالمین، که عزیز حکیم و دوستدار انسان‌ها است، هفتمین کنگره نهضت آزادی از ۱۸ تا ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۶۳ تشکیل گردید. اینکه نتیجه گزارش‌ها و مذاکرات و تصمیمات اتخاذ شده به صورت قطعنامه حاضر تقدیم می‌گردد تا رهنمودی برای شورا و ارگانهای دیگر و اعضاء نهضت باشد و وسیله‌ای برای آشنائی و تبادل نظر با علاقمندان و طالبین گردد.

کنگره هفتم با توجه به شرایط بحرانی نظام جمهوری و میهن عزیز و انحرافات، از یک‌طرف و نارسائی‌ها و نارضائی‌ها و نگرانی‌های عمومی وحشتناک، از طرف دیگر که آینده ایران و اسلام را تهدید می‌کند، مصلحت دید بحث و بررسی‌های سال جاری بیش از آنچه به خاطرات و افتخارات گذشته انقلاب و تحلیل پیروزی‌ها و یا شکست‌ها بپردازد و معطوف به رویدادهای بعد از پیروزی و دولت موقت شود، وضع حال و آینده مملکت و نظام را تجزیه تحلیل کند. بنابراین خلاصه گزارش مذاکرات و تصمیمات کنگره در دو بخش به ترتیب ذیل ارائه می‌گردد:

الف: تحلیل وضع موجود جامعه ایران

ب: قطعنامه و خطمشی نهضت آزادی ایران

الف) تحلیل وضع موجود جامعه ایران

به منظور بررسی موضع فعلی و نظر مردم نسبت به انقلاب و نظام، با آنچه اصالت و مشروعیت و ریشه تاریخی دارد آغاز می‌نمائیم. یعنی اهداف سه‌گانه مندرج در شعار انقلاب «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا مشخص شود هر یک از این سه خواسته تا چه اندازه برآورده شده و ملت را به منظور خود از انقلاب رسانده است.

۱. پروردگارا بار سنگین (گناه) را بر ما بار مکن، آنچنانکه بر کسانیکه پیش از ما بودند بار کردی. پروردگارا و چیزی را که طاقتش را نداریم بر ما بار نکن، ما را بیامرز و به ما رحم کن، تو صاحب اختیار ما هستی پس ما را در برابر گروه کافران پیروز بگردان.

۱- آزادی

آنچه مردم در وضع حاضر شاهد هستند، حاکمیت انحصار و اختناق و فقدان بسیاری از آزادی‌های قانونی است. از جمله:

● برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی، تفتیش عقاید و تجسس در استخدام‌های دولتی و ثبت‌نام دانشجویان اعمال می‌شود.

● در معابر و حتی در صحن مجلس شورای اسلامی شعارهای مرگ‌خواهی و دشنام برای مخالفین عقیدتی و سیاسی داده می‌شود. از جمله در مورد ولایت فقیه که به هیچ وجه متفق علیه فقهای گذشته و حاضر شیعه نبوده ضروری دین نمی‌باشد.

● احزاب مخالف یکی بعد از دیگری طرد و ممنوع گردیده دفاتر و گاهی منازل اعضایشان مورد حمله و تخریب دستجات غیرمسئول ولی مأمور یا مأذون قرار گرفته‌اند.

● مساجد و منابر و ائمه جماعات تحت کنترل و انحصار قرار گرفته‌اند.

● آزادی قلم و مطبوعات و تبلیغات، آنطور که در قانون اساسی مطرح گردیده به شدت محدود و ممنوع شده، غیرموافق‌ها نه تنها محروم از روزنامه و شرکت در مصاحبه‌ها و میزگردها هستند بلکه دفاعیات و پاسخ‌های آنها در برابر اتهامات و اهانت‌های متداول را روزنامه‌های رسمی کمتر حاضر هستند درج نمایند.

● علاوه بر فقدان آزادی قلم و بیان، غیرموافقین از تشکیل اجتماعات، راهپیمائی و تظاهرات که در قانون اساسی مجاز شمرده شده حتی برای انتخابات محروم هستند.

۲- استقلال

منظور و هدف ملت ایران از «استقلال» خودمختاری و عدم تمکین و تبعیت از هر قدرت یا دولت خارجی در ابعاد و جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوده است.

در مقایسه با رژیم گذشته که وابسته به امپریالیسم امریکا بود می‌توان گفت حاکمیت فعلی از نظر سیاسی مستقل و غیروابسته می‌باشد اما استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی و نظامی و فرهنگی میسر نیست.

از نظر استقلال اقتصادی، علیرغم تبلیغات فراوان، وضع کشور به طور محسوسی بدتر از گذشته شده هم نیازمندتر و وابسته‌تر به خارج گشته‌ایم و هم ظرفیت و تولید یا خودکفائی ما کاهش یافته است.

- استقلال نظامی که تابع نیروی دفاعی بالقوه و بالفعل کشور می‌باشد به لحاظ سلاح‌های سنگین و مدرن و تعلیمات، در مقایسه با قبل از انقلاب، خیلی از امکانات و تشکیلاتش را از دست داده است اما به لحاظ کیفیت و روحیه و عقیده مطلقاً قابل قیاس با گذشته نبوده توانائی، تفوق و ارزندگی معجزه‌آسای خود را به دلیل ایمان، اخلاص، ایثار و عشق به شهادت به ظهور رسانده است.

- استقلال فرهنگی به معنای مکتبی و ایدئولوژی آن را که در شعار «نه شرقی نه غربی» مندرج است، می‌توانیم تا حدودی، لاقلاً به صورت رسمی، تأمین شده بدانیم. زیرا که با اتخاذ نظام اسلامی خود را

منفک و مستقل از مکاتب کمونیسم، سوسیالیسم، کاپیتالیسم و سایر ایسم‌ها کرده‌ایم. حتی با گرایش به تعصب و کهنه‌پروری، از اسارت فرهنگ جدید در مواردی به اسارت پاره‌ای آداب و سنت‌های خرافی افتاده‌ایم.

کنگره عقیده دارد که استقلال یک کشور یا ملت و نظام، انحصار به ابعاد فوق و جهات صوری قضیه نداشته جلوه واقعی استقلال در ابتکار اداری یا فکری و یا خودجوشی جامعه است، همچنین در اعتقاد آنها به استقلال ذاتی خود و به عدم دخالت و حاکمیت غیر. این دو سرمایه و صفت است که استقلالی مستمر و استوار از آن نشأت می‌گیرد.

استقلال ذاتی یا روانی و انسانی که مسئله ضدبیگانگی‌پرستی است و جنبه اعتقادی توحیدی دارد، در این است که شخص یا جامعه هرچه از بد و خوب سرش می‌آید سرگذشت و سرنوشتش را یکسره از خدا و خود دانسته دیگران را مقصر و موثر درجه اول نشناسد. اما متولیان برای خودشان و گردانندگان امور و شیوه حکومت کمترین تقصیر و ضرورت تغییر را قائل نبوده و همه چیز را به بیگانگان نسبت می‌دهند. همانطور که برخی از مخالفین حاکمیت و سرخوردگان از انقلاب با نفی اصالت انقلاب، نظام موجود را خواسته و ساخته بیگانگان می‌دانند.

مسئله کشوری که امانتدار و مالک آن یعنی ملت برکنار از حکومت و آزادی و حیثیت بوده بیگانه‌ترسی و بیگانه‌پرستی بر آن سایه انداخته باشد هیچگونه نمی‌تواند به استقلال واقعی و پرستش خدای یگانه که شرط سعادت دنیا و آخرت است، برسد.

۳- جمهوری اسلامی

قسمت نهائی شعار جامع و مصوب انقلاب که تشکیل‌دهنده نظام ما است در سه کلمه یا سه جزء «جمهوری - اسلامی - ایران» خلاصه می‌شود که ذیلاً به یک یک آنها نظر می‌اندازیم.

از «جمهوری» که حضور و حاکمیت «جمهور» مردم را در صحنه کشور و دولت می‌رساند چندان خبری نیست، خیل عظیم مسلمانان خداپرست غیر خط امام، ملیون، مخالفین و معتقدین به مکاتب سیاسی دیگر و بی‌طرف‌ها که بر طبق قوانین اساسی دارای حقوق مساوی باید باشند به چشم بیگانه دیده می‌شوند و خارج از جمهوری به حساب می‌آیند.

اما صفت «اسلامی» اگرچه اسماً پابرجا مانده است دچار تخصیص و تحریف آشکار گردیده تنها اسلامی حاکمیت دارد که مترادف با روحانیت و حوزه بوده توسط گروهی از فقها تعریف و اجرا شده باشد. گذشته از آن میان بسیاری از دست‌اندرکاران، اصول عدالت، تقوی، انصاف، امانت، مشورت و همکاری و اخوت که منظور مردم از حکومت اسلامی بود فراموش گردیده دولت وظیفه خود را نظارت بر اجرای احکام و عبادت تلقی کرده رسالت خود را صدور انقلاب به اقصی نقاط جهان می‌داند. در میان مردم نیز انحطاط اخلاقی و توسعه انواع مفسد آینده تاریکی را برای ایران و نظام جمهوری اسلامی ترسیم می‌نماید.

جزء آخر، «ایران» است که در شرایط حاضر و با جو حاکم، ملت و ملیون آن، فرهنگ و زبان فارسی و تاریخ و افتخارات آن، به عقیده حاکمان، چیزی است که با مکتب توحید و جهانی بودن اسلام منافات داشته نباید مورد توجه قرار گیرد.



پس به طور خلاصه و جمع‌بندی، شعار: «جمهوری اسلامی ایران» برای بسیاری از مردم داستان شیر بی‌پال و دم و اشکم مولوی را تداعی می‌نماید. زیرا بدین ترتیب مردم، مذهب و کشور فدای باورهای ذهنی متولیان شده است.

عدم تحقق اهداف سه‌گانه «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» موجب آن شده است که تأمین عمده‌ترین خواسته‌ها یا شرایط و عواملی که سرمایه‌های ملی و معنوی را به لحاظ حال و آینده انقلاب و ایران و اسلام به وجود می‌آورد دچار اشکال شود. خواسته‌ها و شرایط و عوامل فوق‌الذکر را می‌توان در پنج بند ذیل دسته‌بندی و بررسی کرد:

۱- تأمین نیازهای مادی و معیشت ملی

با آنکه به حکم «من لامعاش له لامعاد له» تأمین معیشت شرط اولیه حیات دنیوی و اخروی است، در سال‌های اخیر مشکلاتر شدن تهیه مایحتاج زندگی در همه جا مشهود است. به ویژه در موارد ذیل:

- ارزاق و مصارف روزمره فوق‌العاده گران و بعضاً کمیاب است.
- قمیت پوشاک به دلیل گرانی عوامل جنسی، مزد و ماشین‌آلات شده است.
- وضع مسکن به دلیل گرانی بی‌تناسب زمین و کمبود کالاهای ساختمانی دچار مشکلات عظیمی گردیده است.

- بهداشت عمومی و درمان بیماری‌ها به دلیل عدم توانائی دولت در مهار کردن بیماری‌های عفونی و وضع نابسامان درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و نرسیدن داروها چهره مصیبت‌باری پیدا کرده است.

- خدمات شهری و کشوری مانند آب، برق، تلفن، نظافت و حمل و نقل با وجود ترقی هزینه‌ها به لحاظ کیفیت و کمیت تنزل فاحش پیدا کرده است.

- درآمد و تولید ملی نسبت به سال‌های اول انقلاب کاهش چشم‌گیری یافته و علیرغم افزایش هزینه‌های زندگی میزان اشتغال و درآمد متوسط عمومی دچار سقوط و تقلیل شده است.

۲- امنیت و آرامش عمومی

پس از گذشت شش سال از پیروزی انقلاب مردم هنوز از نعمت امنیت و آرامش محروم‌اند. مشاهده تب و تاب‌ها، تبلیغات، شعارها، وعده‌ها، افشاگری‌ها، پاکسازی‌ها، بمباران‌های شهرها، مشکلات مادی و روانی جنگ، مزه‌های فتح و صدور انقلاب آنان را دچار یأس و سرخوردگی کرده و به شکوه و شکایت و به انتقاد و اعتراض واداشته است.

از نظر امنیت مالی و جانی کمتر زمانی شهرهای ما دچار چنین ناامنی و وحشت بوده‌اند. آمار دزدی‌های مسلحانه که گهگاه به قتل‌های هولناک می‌کشد بی‌داد می‌کند. کلاهبرداری و تقلب و قاچاق سکه

رائج شده و در برابر این اوضاع، امنیت دستخوش اختلاف رویه قضائی دادگاه‌ها و قضات جوراجور عملاً بی‌حساب و کتاب گردیده هر قاضی به علم خود و در مواردی به عقیده و عقده خود قضاوت می‌نماید. با گسترش ناامنی‌ها و نگرانی‌های عمومی، احساس بسیاری از مردم چنان است که عقیده دارند به انقلاب و به امیدواری‌ها و فداکاری‌های آنان خیانت شده است.

۳- مکتب و معتقدات مردم

ارزنده‌ترین ارمغان انقلاب ما و قوی‌ترین محرک و عامل موثر آن احیای ایمان و اعتبار اسلام مخصوصاً تشیع بود. بدون تردید ایدئولوژی دینی و رهبری روحانیت بزرگترین نقش را در تشکیل و توحید مردم و توفیق انقلاب در حرکت اول آن ایفا نمود. روحانیت شیعه که در برابر هجوم تمدن و تسلط غرب انزوا گزیده بود پس از تجربه‌اندوزی از نتایج روشن خود در مشروطیت، تحت رهبری قاطعانه آیت‌الله خمینی موضعی قاطع علیه استبداد شاهنشاهی اتخاذ کرد و پیروان مخلص و جانبازانی در این راه به دست آورده به قدرت رسید و در حرکت دوم انقلاب سایر گروه‌ها و افکار و پیکره ملت را ماهرانه از صحنه بیرون راند.

از موقعیت صنفی روحانیت که بگذریم اسلام و دینداری مردم نیز در این کشاکش دچار تحولات و تغییراتی گشته که ذیلاً اشاره می‌کنیم.

اسلام و پیاده شدن یا اجرای آن اولاً صورتی و ظاهری دارد که تشریفات و شعائر است و فروع دین را تشکیل داده موضوع بحث رساله‌های فقهی می‌باشد، ثانیاً باطنی و محتوایی دارد که معتقدات یا ایدئولوژی است و از مقوله عشق و عبادت می‌باشد. ما برای رسیدگی به اینکه با تجربه شش ساله انقلاب، اسلام و مسلمانی ما به چه مرحله رسیده است مطلب را با تفکیک دو نظر فوق بررسی می‌نمائیم.

۳-۱- ظواهر و فروع دین

از این جهت و بدون تردید باید بگوئیم که موفقیت و خدمت، تا آنجا که ارتباط با قالب و قیافه خارجی دیانت در جامعه انقلاب کرده ایران پیدا می‌کند، فوق‌العاده بوده است. خوشبختانه از آن مظاهر ننگ‌آور و مضمّن‌کننده سابق، مانند وفور مشروب‌فروشی‌ها در معابر - روزه‌خوری علنی - بی‌حجابی تحریک‌آمیز - بی‌بند و باری‌های کنار دریا - عشرتکده‌ها، کاباره‌ها و قمارخانه‌ها - فیلم‌ها و نمایشنامه‌های خلاف شرع و اخلاق و به طور کلی وجود جو ضداسلام و ضداخلاق و پرده‌داری‌های ضدانقلاب، خبر چندانی نیست و از بروز آن با سماجت و خشونت و حتی نفوذ به درون خانه‌ها جلوگیری می‌شود.

حال این حالت و اوضاع حاضر تا چه حد از نظر خود اسلام و قرآن و شرع مبین صحیح و مثاب یا قابل قبول و مرضی خداوند عزیز حکیم باشد، مسئله دیگری است. آنچه مسلم است و قرآن و سنت درباره آن صراحت دارند این است که هیچگونه عبادت و انجام فرائض تا از روی عقیده و ایمان و اختیار و به قصد و اطاعت خدای رحمن نباشد نزد خدا پیشیزی ارزش ندارد و ثوابی در آخرت به عامل آن نمی‌رساند. عملی که به صورت غیرآزاد مختار، روی دستور و فشار و یا برای جلب نفع و دفع ضرر و به خاطر ریا و غیره انجام شود نه تنها ثواب ندارد، در مواردی گناه هم بر آن مترتب می‌شود.

بدیهی است که بستن اماکن فحشاء و قمار یا فروش مسکرات و جلوگیری دولت از افراد و عواملی که با تجاوز به حقوق و آزادی سایرین ایجاد ضرر و زیان و اشاعه فساد و معاصی می‌نمایند، لازم است ولی الزام و اکراه در عقاید و فرائض دینی یا تجسس و تجاوز به حریم خصوصی و خانگی اشخاص عمل خلاف شرع و خلاف مصلحت و ضد اسلام است. تبلیغ دین و ارشاد مردم صرفاً باید با تأسی به رسول اکرم و ائمه اطهار به وجه احسن و با ملاحظت و برهان انجام گردد. حتی تبلیغ از راه تبعیض در ادارات و مؤسسات دولتی و تفاوت‌گذاری میان موافقین و مکتب‌ها یا غیرموافق‌ها و غیرمظاهرها کار پسندیده و منطبق با شیوه مولای متقیان، در دوران خلافت پنجساله‌اش، نمی‌باشد و از مواردی است که هدف مشروع علتی برای وسیله غیرمشروع شده است.

۲-۳- باطن و اصول دین

منظور آن قسمت از دینداری و اعتقاد و ایمانی است که پذیرفته عقل و خواسته دل اشخاص بوده مراقب باطنی آنها و منشاء خدمات به خلق و عبادت خالق باشد. ایمان را به‌عنوان اعتقاد به قلب، اقرار به زبان و عمل تعریف نموده‌اند.

اعتقادی را که متولیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رسمیت می‌شناسند اسلام است اما نه اسلام علی‌الاطلاق عام و اصیل، که چیزی جز قرآن خدا و سنت رسول اکرم نمی‌تواند باشد، بلکه اسلام فقهاتی. از این اسلام به اصطلاح فقهاتی که اعتقاد رسمی یا دولتی است گفتارهایی تراوش می‌نماید که در منابر، مساجد، مطبوعات، محافل، معابر و در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بیان می‌شود و در سخنرانی‌ها و شعارها و در تظاهرات و تبلیغات انعکاس پیدا می‌کند. پندارها و گفتارها نیز به نوبه خود منشاء کردارهایی می‌شود که میدان بروز و ظهور آنها دادگاه‌ها و زندان‌ها، راه‌پیمائی‌ها، نهادها و رسانه‌های گروهی و دستگاه‌ها و نهادهای دولتی می‌باشد.

از ترکیب و تاثیر سه عنصر یا سه رکن فوق، در رابطه با دینداری مردم و موقعیت اسلام در ایران و جهان، در این شش سال تجربه انقلاب و به‌عنوان محصول و عملکرد نظام، دو نتیجه متفاوت یا دو جریان متضاد مشهود شده است. یکی جریان مکتبی و به اصطلاح حزب الهی مخصوص و دیگری جریان عمومی مردمی و روشنفکری.

جریان اول محصول مثبت انقلاب و روحانیت حاکم، تحت لوای اسلام فقهاتی، بوده است. بعضی از پیروان این مکتب که ضمن عمل متشکل گشته و تعلیمات دیده‌اند به لحاظ ایمان و عشق و ایثار خالصانه تا سر حد جان و مال پیش رفته‌اند و در مقایسه با گذشته ایرانیان و با وضع حاضر مسلمانان کشورهای عربی و غیرعربی سنی و شیعه موجب شگفتی و حیرت گشته‌اند. افراد این جریان یا جناح، هم از معتقدین قبلی، اعم از روشنفکر و قشری و طلبه بوده‌اند و هم از گروندگان بعدی. این قشر، حزب حاکم و ایادی و اذنان او را در نهادها و دستگاه‌ها تغذیه نموده ستون فقرات و پایه و پنجه‌های حاکمیت را تشکیل می‌دهند. این جریان، هم با گذشت زمان سیر نزولی داشته به طور طبیعی فرسودگی و سرخوردگی روی آن اثر می‌گذارد و هم مشاهده و برخورد با واقعیات و تجربه عملکرد متولیان چشم و گوش‌ها را باز کرده است.

اما جریان دوم که شاید دردناکترین تجربه نظام حاکم و زیانبارترین عملکرد متولیان انقلاب باشد برگشت بسیاری از مردم و متمایل‌شدگان به اسلام و انقلاب از اسلام است که غالباً انصراف و بعضاً انزجار نسبت به هرچه مربوط به اسلام و دین و خدا است پیدا کرده‌اند. ضمن آنکه نه تعدادشان اندک است و نه اختصاص به طبقه خاصی دارند. علت این انصراف، رفتارهای بی‌رحمانه خلاف عدالت و انسانیت و اعدام‌های چه بسا سهل‌انگارانه و یا سایر تحمیل و تبعیض‌ها و سلب حقوق‌ها است که به نام و به خاطر اسلام انجام می‌گردد و فتوی‌دهندگان و توجیه‌کنندگان یا تاییدکنندگان آنها از مقامات موثر حوزه و روحانیت هستند که خود را به‌عنوان مطلعین و متخصصین اسلام واقعی شناسانده‌اند.

از طریق مبارزه با علم و فرهنگ دریافتی از مغرب‌زمین (به مصداق اطلبوا العلم و لو بالصین) و بستن دانشگاه‌ها و اختناق سیاسی و تاجر فکری در آموزش و پرورش کشور تحت عناوین انقلاب فرهنگی یا اسلامی کردن تعلیمات و تحقیقات، به نحو دیگری اسلام و ایران را به جاهلیت عربی قبل از بعثت رسول اکرم(ص) برگردانده‌اند.

خلاصه آنکه تجربه شش ساله انقلاب و نظام به آنجا رسیده است که در نزد جماعات قابل توجهی از مردم ایران اقبال به اسلام، که قبل از پیروزی انقلاب حالت تصاعدی پیدا کرده بود، تبدیل به انصراف و ادبار شده از اسلام تبری می‌جویند و نمی‌خواهند نامی از آن برده شود.



البته ما به چنین طرز فکرهای اتخاذ شده از روی عصبیت و ترس و یا جهالت و یاس، به هیچ‌وجه حق نمی‌دهیم. کسی که در این میان بی‌تقصیر و مظلوم می‌باشد و نباید با او برید و قهر کرد، خدا است. البته خدا و آئین پاک او بی‌نیاز از هرگونه عبادت و عمل و ایمان ما است و آنکس که زیان می‌برد و حسرت خواهد خورد خود انسان است. توصیفی که سابقاً در منبر از پیغمبر و ائمه می‌شد با آنچه حالا در مسند حکومت انجام می‌شود تفاوت فاحش دارد!

باید از کسانی که بدین طریق از اسلام برگشته‌اند پرسید کدام مذهب و یا مکتب اخلاقی دنیا است که تحریف و قلب و ابزار قدرت و سوءاستفاده نشده باشد؟ حرف آن نویسنده ایتالیایی قرن هیجدهم میلادی که گفته بود «ای آزادی چه جنایت‌ها که به نام تو کردند!» درباره هر مکتب و مذهب پاک خدائی صادق است. مگر تمام سلاطین و دولت‌های خودکامه دنیا، از فرعون‌ها و کسری‌ها و قیصرها تا خلفای بنی‌عباس و... هر کدام به نحوی و به نامی خود را خدا، پسر خدا، سایه خدا، خلیفه خدا یا نصب شده و مجاز و مأمور از ناحیه خدا و رسول نمی‌دانسته‌اند؟

ب) قطعنامه و خط‌مشی

هفتمین کنگره نهضت آزادی ایران با توجه به مشاهدات و تحلیل‌های فوق، نظریات، مواضع و وظائف و خط‌مشی نهضت را به شرح زیر تعیین و اعلام می‌نماید.

ب ۱) در آستانه هفتمین سالگرد انقلاب:

ب ۱-۱) دوام نظام جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارضی کشور و حیات ملت و استقلال نسبی مملکت را

ارج می‌نهمیم و به درگاه خداوند ذوالجلال سپاس و شکر می‌گذاریم.

ب-۱) از ملت شریف ایران که به وجود آورنده انقلاب می‌باشد قدردانی و اظهار امیدواری نموده پایداری و فداکاری قشرهای وسیعی از ملت و بعضاً تصمیم و توکل گردانندگان مملکت و خونسردی و سرسختی و امیدواری آنان را از جمله عوامل رفع خطرات و جبران خطاهای داخلی و ضربات جنگ تحمیلی و جلوگیری از اضمحلال و سقوط کشور می‌دانیم.

ب-۳) از زحمات و خدمات کسانی که از روی حسن نیت و قصد خدمت به ایران و اسلام، متناسب با شایستگی‌های خود قبول مسئولیت نموده‌اند، تقدیر می‌نمائیم.

ب-۴) با وجود این، آرمان‌های انقلاب و وعده‌های داده شده و انتظارات بر حق مردم را برآورده نیافته، از نظر داخلی گسترش انحرافات و تخلفات و فقدان امنیت مالی، جانی، سیاسی، اجتماعی و قضائی و نارضایتی عمومی را یک واقعیت تلخ و غیرقابل انکار می‌دانیم و از تقلیل و تعطیل تولید در بخش صنعتی و تنزل دائم تولیدات کشاورزی نگران هستیم. از نظر خارجی نیز سیاست و عملکرد دولت را در جهت مصالح عالی‌ه ایران و اسلام، ضعیف یا نادرست می‌بینیم.

ب) معتقدیم که:

ب-۱) بسیاری از آزادی‌های سیاسی، مطبوعاتی، فرهنگی و اجتماعات قانونی سلب گشته و سانسور در اظهار نظر نسبت به مسائل سیاسی به شدت اعمال می‌شود. محدودیت یا فقدان آزادی برای گروه‌های قانونی غیرموافق با حاکمیت، حتی طرفداران نظام جمهوری اسلامی، برخلاف قانون اساسی، اسلام و مصالح عمومی کشور می‌باشد.

ب-۲) شیوع اعمال خلاف دین و قانون زیر پوشش اسلام، به اعتبار دین لطمه وارد ساخته است و علائم تزلزل در اعتقادات و برگشت از دین به مرحله‌ای رسیده که این اعمال می‌بایستی سریعاً متوقف گشته کوشش برای جبران اثرات سوء آن انجام گردد.

ب-۳) انقلاب اسلامی ایران گرچه در بدو پیروزی اثرات عمیق و شگرفی بر اذهان و افکار مسلمانان و حتی غیرمسلمانان جهان به وجود آورد، اما اعمال بعدی تا حدود زیادی آن اثرات را خنثی نموده چهره نامطلوبی به دنیا ارائه داده است.

ب-۴) از نظر نمایش خارجی یکی از دستاوردهای انقلاب برجسته شدن مظاهر و اماکن فساد و فحشاء، نظیر مشروب‌فروشی‌ها، روزه‌خواری علنی، بی‌حجابی‌های محرک، فیلم‌ها و نمایشنامه‌های خلاف عفت و اخلاق می‌باشد که به آن ارج می‌نهمیم ولی آن را کافی و دلیل بر اصلاح واقعی یا تغییر درونی مفید که مورد نظر انقلاب و اسلام باشد نمی‌دانیم.

ب-۵) نظارت و جلوگیری قانونی دولت از افراد و عواملی که ایجاد و اشاعه فساد و معاصی می‌نمایند عمل لازم و مفیدی است اما الزام و اکراه در عقاید و فرائض دینی، تجسس و تجاوز به حریم خصوصی و خانگی اشخاص و اعمال زور و خشونت را غیرشرعی و غیرقانونی دانسته عدم توقف آن را موجب بروز واکنش‌های مخرب و مضر علیه دین می‌دانیم.

ب۲-۶) دخالت‌های ناروا و عملکردهای نادرست برخی روحانیون در امور و مشاغل که علم و تجربه و آگاهی لازم نسبت به آنها ندارند چهره تاریخی این طبقه را در اذهان عمومی مخدوش ساخته بر روابط سنتی این طبقه با مردم اثرات سوئی بر جای گذاشته است. بر علمای واقعی است که به چاره‌جویی‌های مناسب همت گمارند.

ب۲-۷) روش تفتیش عقاید در استخدام‌ها، ثبت‌نام دانشجویان و دانش‌آموزان تخلف از قانون اساسی و مصداق بارزی از انحصار و اختناق است.

ب۲-۸) استقلال به مفهوم سیاسی - حقوقی آن اگرچه به دست آمده است اما در مفهوم اقتصادی آن وابستگی به بیگانه در زمینه‌های مختلف بیشتر شده و فرار مغزها و تخصص‌های مورد نیاز کشور به تشدید این وابستگی کمک نموده است.

ب۲-۹) دلبستگی به سرزمین، میهن، مردم، ملت، فرهنگ، زبان، تاریخ، افتخارات و سرمایه‌های ملی منافی مکتب توحید و جهانی بودن اسلام نیست و جو ضدایرانی و ضدملی کنونی خلاف مصالح کشور می‌باشد.

ب۲-۱۰) شعار «جمهوری اسلامی» دوران انقلاب زمانی تحقق خواهد یافت که مردم از حقوق و آزادی‌های سیاسی و عدالت اجتماعی برخوردار گردند و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش به طور کامل و خدشه‌ناپذیر عملی گردد.

ب۳) در برابر اوضاع و احوال کنونی:

ب۳-۱) نهضت آزادی ایران ادامه وضع موجود و انحصار مسئولیت‌ها و اختیارات و تشدید و تقویت سیاست‌های موجود را مردود دانسته و آن را موجب بروز تبعات وحشتناک می‌داند. همچنین برگشت ارتجاعی به نظام سلطنتی را قابل تکرار و تحمل نمی‌داند و عواقب و نتایج آن را خطرناک می‌بیند و نیز انکار کلی و یا نسبی انقلاب، حذف نظام جمهوری اسلامی و سرنگونی حاکمیت را از طریق قیام مسلحانه و اعمال خشونت‌آمیز مصلحت نمی‌داند.

نهضت آزادی ایران با اعتقاد به اینکه هرگونه تغییری که منشاء آن بیگانگان باشند سرانجام به سود آنان تمام خواهد شد مطمئن است هیچ فرد و یا گروه مسلمان و ایرانی معتقد و متوکل به خدا و متعهد و علاقمند به ایران قبول ننگ دل بستن به بیگانگان را نخواهد کرد.

نهضت آزادی ایران کماکان راه رهایی را، وفاداری به اصول اولیه انقلاب، دفاع از نظام جمهوری اسلامی و تمسک به قانون اساسی، توأم با قیام قانونی مسالمت‌آمیز و آرام به منظور اصلاح یا تغییر حاکمیت می‌داند.

ب۳-۲) نهضت آزادی خود را همچنان در برابر خدا و خلق و وجدان خویش متعهد و موظف دیده با توکل به خدا و امیدواری به هموطنان، بدون ترس از مشکلات و اتهامات و خطرات، به کوشش خود در راه حفظ و حراست از انقلاب و ایران و اسلام، در چهارچوب قانون اساسی و جمهوری اسلامی در حد توانائی خود ادامه خواهد داد.

ب ۳-۳) مردم را دعوت می‌نمائیم که قیام قرآنی نموده، قبول ابتلاء و امتحان الهی بنمایند و با روحیه یأس و بدبینی و انزوا و پرخاشجوئی ویران‌ساز مبارزه کنند و مشتاقانه و فعال با مشارکت صمیمانه و همکاری و هماهنگی و با استمداد از ایمان و علم و عقل، براساس برهان و جدال حسن، به ادامه وظائف ملی و اسلامی خود بپردازد.

بهمن‌ماه ۱۳۶۳